تحلیل

محمد اسماعیلی

به جای جدل‌های کلامی در مناظرات انتخاباتی عملکرد ارائه کنید

بگویید دستاورد سفرهای پرطمطراق غربی‌ها چه بود؟!

پاشنه آشیل دولت یازدهم و حامیان وضع موجود برای جلب آرای عمومی را به دلایل متعدد و مهمی می‌توان «توافق هسته‌ای» ایران با گروه موسوم به ۱+۵ دانست و به همین دلیل است که دولت در تلاش برای طراحی صحنه‌ای است که طی آن بتواند در مناظرات انتخاباتی و سایر برنامه‌های تبلیغاتی از عملکرد خود در برجام دفاع و پاسخ قانع‌کننده‌ای به منتقدان و رقبای انتخاباتی جست‌وجو کند.

دستاوردهای پیش بینی شده برجام که دولت آن را تحت عنوان «شعارهای هسته‌ای» ماه‌ها قبل از امضای برجام به افکار عمومی انتقال می‌داد، نتوانست رنگ تحقق به خود گیرد، به عنوان نمونه نه تنها وضعیت اشتغال و رکود و گرانی کالاهای اساسی حل نشد و وام‌های آنچنانی به جوانان برای ازدواج اختصاص نیافت بلکه لغو تحریم‌ها و برداشته شدن سایه تهدیدنظامی از سر کشور یا بهبود وضع سرمایه‌گذاری در کشور و رفع موانع بانکی و مالی در عرصه بین‌المللی امروز پس از گذشت ۱۹ ماه از امضای متن توافق هسته‌ای رنگ باخته است.

در یکی از مهم‌ترین نمونه‌هایی که دولت از آن تحت عنوان «دستاوردهای برجام» یاد می‌کند می‌توان به رفت‌وآمد پرحجم مقامات اروپایی در ماه‌های نخست برجام اشاره کرد که «اصل حضور» مقامات کشورهایی نظیر آلمان، اتریش، انگلیس، فرانسه، یونان، ایتالیا وسوئیس توسط دولتمردان و رسانه‌های زنجیره‌ای حامی آن به عنوان یکی از اتفاقات تاریخی و بی‌نظیر پسابرجام یاد می‌شد. در همان مقطع، زمانی که منتقدان متن برجام از بی‌نتیجه بودن این رفت و آمدها سؤال می‌کردند، پاسخ دولت و حامیان متعصب دولت آن بود که باید برای صورت‌بندی و نهایی شدن توافقات تجاری و اقتصادی با کشورهای غربی چند هفته‌ای صبر کرد چراکه سازوکار امور سرمایه‌گذاری در کشوری مانند ایران اندکی زمانبر است. امروز پس از گذشت ۱۶ ماه از روز اجرای برجام نه تنها قرارداد مهم و تأثیرگذاری با طرف‌های غربی صورت نپذیرفته است بلکه اتحادیه اروپا نیز چند بار و به بهانه‌های مختلف از جمله بحث تروریسم و حقوق بشر تحریم‌های جدیدی را علیه کشورمان وضع کرده است که این رفتار با روح حاکم بر توافق هسته‌ای نیز در تناقض بوده و اعتراضات مقامات دولت یازدهم را نیز به همراه داشته است.

■ دل خوش کردن به «اصل سفر»

بر اساس آنچه ایسنا گزارش داده طی مدتی که دولت حسن روحانی روی کار بوده است بارها مقامات اروپایی به تهران سفر کرده‌اند که در بخشی از گزارش این خبرگزاری می‌آید: «بر اساس آمار اعلام شده تاکنون وزیران خارجه اروپایی ۵۴ بار به تهران سفر کرده‌اند و در مقابل محمدجواد ظریف نیز در پاسخ به دعوت همتایان خود یا به منظور شرکت در اجلاس‌های بین‌المللی ۴۶ بار به کشورهای اروپایی سفر کرده‌است. آمار ارائه شده جدا از سفر دیگر مقامات ارشد اروپایی به تهران یا بالعکس است. این آمار حاکی از آن است که با وجود باز شدن فضای سیاسی و دیپلماتیک و نیز اعتمادسازی میان ایران و کشورهای مختلف، اما این کشورهای اروپایی و دیگر کشورها بوده‌اند که به تعامل با ایران و بازگشت به روابط سطح بالا تمایل جدی دارند.»

درج این آمار توسط خبرگزاری حامی دولت یازدهم در حالی است که هیچ گونه آمار و ارقام مستند و قابل اتکایی درباره حجم سرمایه گذاری‌های صورت گرفته اروپایی در دوران پسا برجام درج نشده و تنها به اصل سفر مقامات غربی به ایران پرداخته شده در حالی که لازم بود حداقل بخشی از قراردادهای منعقد شده با شرکت‌ها و تجار خاص اروپایی نیز (که اساساً وجود خارجی ندارد) در این گزارش یا گزارش‌هایی مشابه درج شود. جالب اینجاست که در ادامه تلاش شده تا همچنان آمد و شد اروپایی‌ها به ایران پررونق نشان داده شودبلکه به‌واسطه چنین اقدامات تبلیغاتی جامعه ترغیب شود تا در انتخابات اخیر به نامزد مطلوب این جریان روی خوش نشان دهد: «این روزها نیز رفت و آمد و گفت‌وگوها بین مقامات ایران و کشورهای اروپایی همچنان با جدیت در جریان است، چنان که در همین راستا علاوه بر سفر ظریف به یونان برای شرکت در اجلاس «۱۰ تمدن کهن جهان» و دیدار با نخست‌وزیر و همتای یونانی خود، سفر منطقه‌ای مجید تخت‌روانچی معاون وزیر خارجه نیز به کشورهای سوئد، اتریش، لهستان و فنلاند از امروز آغاز می‌شود.»

این در حالی است که بر اساس آمار و ارقام غیر قابل خدشه، دستگاه دیپلماسی کشور پس از آنکه از سرمایه‌گذاری اروپایی‌ها در کشور (به‌واسطه برجام) ناامید شدند، با چرخش محسوس سفر به کشورهای امریکای لاتین و شرق آسیا و حتی آسیای میانه را مورد توجه قرار دادند. به عنوان نمونه دیگر یکی دیگر از رسانه‌های حامی دولت بدون توجه به این نکته که اصل سفر اروپایی‌ها به ایران قابل اعتنا نیست و باید به نتایج عینی نظیر «سرمایه‌گذاری شرکت‌های معتبر و تجار کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ایران» بینجامد از نکاتی به عنوان دستاورد سفر اروپایی‌ها یاد می‌کنند که قبل از برجام نیز وجود داشته است. این رسانه در مطلبی با همین عنوان می‌نویسد: «بعد از روی کار آمدن دولت یازدهم و حتی قبل از توافق ژنو حامیان پروژه ایران‌هراسی متوجه شدند که در چهار سال پیش رو نمی‌توانند به راحتی به ابزار و سیاست‌هایی توسل جویند که با استفاده از آن پروژه امنیتی‌سازی ایران را مثل قبل پیگیری و ایران را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای منزوی کنند.»

آزاده عبدالله نژاد | شانا

■ واکنش رهبری به دستاوردتراشی غربگرایان

دستاوردتراشی جریان غربگرای داخلی که از اصل سفر اروپایی‌ها به تهران ذوق زده شده‌اند در حالی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، همراهی هدفمند و گسترده اروپایی‌ها با امریکا در اجرای یک‌طرفه برجام و همچنین رفت‌وآمدهای فاقد دستاوردهای تجاری- اقتصادی برای ایران و فراتر از آن اقدامات مداخله‌جویانه مقامات این اتحادیه برای مقدمه‌سازی برای وضع تحریم‌های جدید حقوق بشری علیه کشورمان را فاقد دستاورد می‌دانند. ایشان در دیدار با نخست‌وزیر سوئد ضمن انتقاد از رفتار اروپایی‌ها، سفر آنها به ایران را فاقد دستاورد مشخص دانسته و با اشاره به رفت‌وآمد و مذاکرات برخی دولت‌های اروپایی در تهران در طول ۱/۵ سال اخیر و در عین حال عملی نشدن اغلب توافقات انجام‌گرفته، خطاب به نخست‌وزیر سوئد گفتند: با شناختی که از جنابعالی وجود دارد، شما فردی اهل اقدام و عمل هستید و انتظار می‌رود به نحوی عمل کنید که توافقات صرفاً روی کاغذ باقی نماند.

■ چرا متعصبان از تعهدات بر زمین مانده اروپا یادی نمی‌کنند

برجسته کردن اصل آمد و شد اروپایی‌ها به تهران توسط جریان هواخواه غرب در حالی است که اتحادیه اروپا بر اساس متن برجام متعهد شده تا تحریم‌های مالی و اقتصادی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران را بعد از هشت سال لغو کند! تعهدی که از اهمیت آنچنانی برخوردار نیست. بر همین اساس اروپایی‌ها تحریم‌هایی که در دو سند مجزا در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ علیه برنامه هسته‌ای ایران اعمال کرده‌اند و برای تمام کشورهای عضو اتحادیه لازم‌الاجرا بود را تا هشت سال دیگر (یعنی روز انتقال) لغو خواهند کرد. با پذیرفتن این تعهد مدت‌دار از سوی اروپایی‌ها جالب است بدانیم که سال پیش در همین ایام این اتحادیه در اقدامی خلاف روح و متن برجام تعداد مهمی از افراد و شرکت‌های ایرانی را به بهانه حقوق بشر در لیست تحریمی خود جای داده است یا شورای وزیران اتحادیه اروپا درماه گذشته تصمیم گرفت تا تحریم‌ها علیه ۸۲ نفر و یک نهاد را در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران تا ۱۳ آوریل ۲۰۱۷ ادامه دهد که با اهداف مندرج در برجام در تناقض است و همچنان با سکوت دستگاه دیپلماسی مواجه شده است!

سرلشکر باقری: سپاه خود را «سپر امنیت» ملت ایران و امت اسلامی قرار داده است

دفاعی

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: پاسداران سپاه با حمایت و همراهی با مقاومت اسلامی سوریه و عراق خود را «سپر امنیت» ملت ایران و بلکه امت اسلامی قرار داده‌اند.

به گزارش فارس، سردار سرلشکر محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به‌مناسبت دوم اردیبهشت روز تصویب اساسنامه سپاه پیامی صادر کرد که در بخشی از آن آمده است. فرا رسیدن «دوم اردیبهشت‌ماه» سالروز تصویب اساسنامه سپاه توسط شورای عالی انقلاب که در تقویم رسمی کشور به عنوان «روز تأسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نامگذاری شده است را به آحاد فرماندهان، مدیران و رزمندگان سلحشور و ولایتمدار این نهاد انقلابی و مردمی و خانواده‌های معظم آنان تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم.

در چنین رخدادی می‌تواند با یادآوری حقایقی از تاریخ انقلاب اسلامی و سرگذشت ملت ایران در ۳۸ سال اخیر، گواهی دهد با پیروزی انقلاب اسلامی و پدید آمدن «شکاف راهبردی» در «هندسه قدرت جهانی»، ابرقدرت‌های شرق و غرب آن روز، با برآورد توانمندی‌های این پدیده شگرف و هراس از دامنه نفوذ آن، به طور تمام عیار برابر آن صف‌آرایی کردند.

در مقابل معمار کبیر و «دوراندیش» انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) با هوشمندی تشکیل نهادهای «مقتدر» و برخاسته از متن «انقلاب» و «مردم» را برای پاسداری از انقلاب نوپای اسلامی و دستاوردهای سترگ آن که از فردای پیروزی با سازماندهی و به کارگیری ضدانقلاب داخلی و پیگیری خط آشوب، فتنه و تجزیه‌طلبی مورد تهاجم سنگین استکبار جهانی قرار گرفته بود را رقم زد که نامگذاری آن با عنوان «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» نیز از الطاف خداوند بود. بازگشایی کارنامه سپاه و تصویر نقش‌آفرینی‌های «حماسی» و «سرنوشت‌ساز» پاسداران انقلاب که با گذشت حدود چهار دهه، آوازه جهانی آنان را انکارناپذیر ساخته است، بیانگر این حقیقت است که آنها با حضور پیشتازانه و فداکارانه در عرصه‌های نیاز انقلاب و میدان‌های پرخطر و پرتهدید هشت سال دفاع مقدس و هم‌اینک حمایت و همراهی با مقاومت اسلامی سوریه و عراق خود را «سپر امنیت» ملت ایران و بلکه امت اسلامی قرار داده‌اند، به گونه‌ای که کلام جاودانه امام راحل (ره) همچنان در جای جای این سرزمین جاری است که: «اگر سپاه نبود کشور هم نبود.»

گزارش ۲

جعفر تکبیری

«ایران بعد از برجام به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است» این ادعای سرویس‌های جاسوسی کشورهای غربی نیست، بلکه گفته‌های تروریست‌هایی است که می‌کوشند بار دیگر با مستمسک قراردادن یک دروغ سوخته، مانع از اضمحلال خود شوند.

«علیرضا جعفرزاده» از عناصر سازمان منافقین در جریان یک نشست خبری در واشنگتن مدعی شد ایران بعد از برجام به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای است. جعفرزاده در این نشست تصاویری ماهواره‌ای از ایران ارائه کرده و مدعی شده فعالیت نظامی هسته‌ای ایران با وجود برجام ادامه دارد. نکته جالب در این میان آنجاست که ادعای منافقین در حالی در پایتخت امریکا مطرح می‌شود که هفته گذشته «رکس تیلرسون» وزیر خارجه امریکا، در نامه‌ای به کنگره این کشور، پایبندی ایران به برجام را تأیید کرد. همچنین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دیگر کشورهای عضو گروه ۱+۵ نیز پایبندی ایران به برجام را بارها تأیید کرده‌اند.

■ اوضاع اسفبار منافقین در آلبانی

اما سؤال اصلی این است که گروهک منافقین چرا بار دیگر به تکرار دروغ‌های نخ نما شده علیه برنامه هسته‌ای کشورمان روی آورده است؟ پاسخ به این سؤال را باید در وضعیت اسفبار اعضای این گروهک تروریستی در آلبانی جست‌وجو کرد. منافقین که پس از استقرار دولت مردمی عراق، با فشارهای روزافزون مردم این کشور برای خروج از خاک عراق مواجه بودند، سرانجام تحت نظر سازمان ملل مجبور به ترک عراق و حضور در آلبانی شدند؛ اتفاقی که بر خلاف میل باطنی سران گروهک بود، چراکه دور شدن آنها از خاک ایران و حضور در جغرافیایی که شناخت کمتری از آن دارند، اضمحلال این گروهک را شدت می‌بخشید. حال با حضور منافقین در آلبانی اخبار مختلف حکایت از آن دارد که شرایط مکانی و زیستی اعضای سازمان به هیچ وجه مناسب نیست و همین موضوع اذهان اعضا را دچار مسئله کرده است، به همین دلیل است که اعضا در حال فراهم‌سازی شرایط برای ترک سازمان هستند؛ اتفاقی که روند فروپاشی این گروهک تروریستی را شدت می‌بخشد. علاوه بر این، نکته مهم دیگر نیز آن است که سران گروهک منافقین مشکلاتش در آلبانی متفاوت‌تر از عراق است و تأمین نیازهای ضروری اعضا نظیر خوراک و پوشاک با مشکلات فراوانی صورت می‌گیرد و به نظر می‌رسد کمک‌های مالی سرویس‌های جاسوسی به این سازمان پس از دور شدن از خاک ایران بسیار کمتر از هر زمان دیگری شده است. همین کاهش کمک‌های مالی سرویس‌های جاسوسی غرب به منافقین باعث شده که آنان طی ملاقات‌های مختلف با مقامات امریکایی و همچنین برخی حکام مرتجع حاشیه خلیج فارس، در ازای برخی خوش‌خدمتی‌ها تلاش کنند مبالغی را از آنان بگیرند.

■ تکرار یک دروغ

می‌توان دروغ اخیر منافقین آن هم در قلب امریکا را در راستای یکی از همین خوش‌خدمتی‌ها برای دریافت منابع مالی عنوان کرد؛ اتفاقی که پیشتر نیز روی داده و این گروهک تروریستی از طریق فروش اطلاعات دروغین از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور، توانسته بود مبالغی کلان از سرویس‌های جاسوسی غرب دریافت کند. بر این اساس، منافقین این نکته را به خوبی درک کرده بودند که پرونده هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات بین‌المللی در سطح جهان است، از این رو آنها با سوءاستفاده از این اهمیت می‌کوشند تا به هر طریق ممکن خود را در این عرصه شریک و از بابت آن برای خود اعتبار کسب کنند؛ اعتباری که سال‌ها پیش با قتل‌عام‌های صورت گرفته توسط آنان از بین رفته و همه مردم دنیا این گروهک را به عنوان یک سازمان مخوف تروریستی می‌شناسند؛ گروهکی که حتی در کشورهای غربی نیز نامش را در لیست سازمان‌های تروریستی قرار دادند. اگرچه در ادامه همین خوش‌خدمتی‌ها دلیلی شد تا نامشان از این لیست خارج شود و دفتر خود را در شهر واشنگتن و نزدیکی کاخ سفید افتتاح کنند. علاوه بر این نکته دیگری که باعث می‌شود منافقین تمایل به نقش‌آفرینی در پرونده هسته‌ای کشورمان داشته باشند، درآمدزایی برای اهداف خود از مسیر فروش اطلاعات هسته‌ای کشورمان به سازمان‌های جاسوسی است؛ اطلاعاتی سوخته که از طریق معدود سمپادهای خود در داخل کشور به دست می‌آورند و با بزک کردن و مهم جلوه دادن آن، دستگاه‌های جاسوسی غربی را سرکیسه می‌کنند.

منافقین به دنبال سرکیسه‌کردن سرویس‌های جاسوسی از طریق برنامه هسته‌ای ایران

تکرار دروغ‌های منافقانه

■ منافقین و انتشار دروغ‌های هسته‌ای علیه ایران

اما این نخستین بار نیست که منافقین می‌کوشند اطلاعات دروغ علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان را قالب سرویس‌های جاسوسی کنند. آنها اولین گروهی بودند که با انتشار اطلاعاتی سوخته از این پرونده، باعث آغاز فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی شدند؛ جایی که گروهک منافقین در ۲۳ مردادماه سال ۱۳۸۱ طی یک مصاحبه مطبوعاتی کلید پروژه فشار به ایران هسته‌ای را زد. این گروهک تروریستی از طریق اطلاعاتی که از سوی سیستم‌های جاسوسی غربی در اختیارش گذاشته شده بود علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران پروژه‌ای را کلید زد. این حرکت در روزگاری صورت گرفت که ایالات متحده به بهانه حوادث ۱۱ سپتامبر حمله به افغانستان را آغاز کرده بود و بسیاری معتقد بودند مقصد بعدی امریکا ایران خواهد بود. از این رو، درست پس از این اعلام بود که دستگاه‌های تبلیغاتی غرب برای تئوریزه کردن سناریوی «ایران، محور شرارت» وارد معرکه شدند و تصاویر ماهواره‌ای متعددی را از تأسیسات نطنز و اراک در رسانه‌های خود پخش کردند. روند این جنجال تا به آنجا ادامه پیدا کرد که محمد البرادعی، رئیس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران آمد و از تأسیسات نطنز بازدید کرد؛ بازدیدی که پس از آن البرادعی در نشست خود عنوان کرد که هیچ چیز غیرمنتظره‌ای نبوده و ادعای ایران در خصوص فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای صحیح است.

■ افشای تأسیسات فردو

اما نقش‌آفرینی منافقین در این خصوص زمانی اوج گرفت که این گروهک تروریستی موضوع تأسیسات فردو را در مجامع بین‌المللی مطرح کرد؛ تأسیساتی که در دل کوه و با امنیتی بی‌نظیر توسط متخصصان ایرانی ساخته شده بود و قرار بود شروع به کار آن در نامه‌ای به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام شود. اما درست چند روز پیش از ارسال این نامه از سوی ایران، منافقین برای ایجاد رعب جهانی علیه جمهوری اسلامی از طریق سمپادهای خود خبر ساخت این تأسیسات را اعلام کردند و زمینه اوج‌گیری تحریم‌ها علیه کشورمان را فراهم آوردند. در همین ارتباط انستیتوی امریکایی برای دانش و امنیت بین‌المللی در شهریور سال ۸۸ به روزنامه عربی‌زبان «الشرق‌الاوسط» گفته‌بود که در کشف دومین تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در ایران، یک «عنصر انسانی» نیز نقش داشته است. تمامی اینها در حالی است که همین مؤسسه سپس ادعا می‌کند که ایالات متحده امریکا، فرانسه و بریتانیا، از دو سال قبل از ساختن تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در فردو، اطلاع داشته‌اند و آن را از طریق ماهواره رصد می‌کردند. اما بار دیگر این افتخار به گروهک تروریستی منافقین داده شد که خفت خیانت را به نام خود ثبت کند.

■ منافقین و فاز ترور

در این میان نکته جالب آن است که بخشی از تلاش آنان برای ایفای نقش در این روند نیز از مسیر ترور و برخوردهای خشن می‌گذرد و آنها هرگز نمی‌توانند چهره واقعی خود را پنهان کنند. برای نمونه پیگیری سرنخ ترور دانشمندان هسته‌ای کشور، مسئولان امنیتی را به نقش این گروهک تروریستی رسانده است. در همین ارتباط، درست چند روز پس از ترورهای زنجیره‌ای دانشمندان هسته‌ای کشورمان، منافقین به مشارکت در شناسایی دو دانشمند هسته‌ای اعتراف کرده و در سایت خود نوشته بودند که نقش شهریاری و عباسی، در پروژه اتمی جمهوری اسلامی، پیش از این، بارها از سوی ما افشا شده است. بر این اساس، اسناد زیر نشان می‌دهد شهید دکتر شهریاری و دکتر عباسی از سوی منافقین در معرض شناسایی و ترور قرار گرفته‌اند.

سند اول: در تاریخ ۳۰ آبان سال ۱۳۸۶ سایت شبکه تلویزیونی فاکس نیوز مقاله‌ای به قلم یکی از سرکردگان منافقین منتشر کرد که در این مقاله آمده است: «متخصص اتمی عالی‌رتبه محسن فخری زاده و فریدون عباسی، برنامه تحقیقاتی اتمی نظام را در دانشگاه موسوم به امام حسین اداره می‌کنند.» سند دوم: در تاریخ ۱۲ آذر همان سال سایت منافقین در گفت‌وگو با یکی از عوامل خود اعلام کرد: «دانشگاه امام حسین (ع) یک مرکز تحقیقاتی و پشتیبانی هسته‌ای است که برخی از فعالیت‌های انجام شده در آن به قرار زیر است: ۱- با استفاده از یک دستگاه ژنراتور نوترون، آزمایش‌هایی درباره پرتاب نوترون با قدرت بالا زیر نظر «فریدون عباسی» صورت گرفته است...» در این نوشته همچنین به سوابق تحصیلی و آدرس محل کار دکتر عباسی اشاره کاملی شده بود.

یادداشت

زینب عامری

بایدها و نبایدهای وعده‌های انتخاباتی

شفافیت پیرامون رویکردها و وعده‌های انتخاباتی یکی از حقوق و وظایف نامزدهای ریاست جمهوری است اما این بیانات به چه صورت باید باشد تا از شعارزدگی مصون بماند؛ یا به بیانی دیگر بایدها و نبایدهای وعده‌های انتخاباتی چیست؟!

بایدها: وعده‌های انتخاباتی باید یک برنامه جامع و کامل از نحوه مدیریت فضای کشور در قالبی صادقانه و واقع بینانه باشد. بخش اعظمی از مردم بر اساس همین برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی تصمیم می‌گیرند. حال اگر این وعده‌ها به جای شفاف‌سازی و ترسیم برنامه‌ها به عاملی برای جنجال انتخاباتی یا کسب آرا بدل شود، بدون آنکه پشتوانه عقلانی و مدبرانه‌ای داشته باشد، در مردم نوعی حس پلوتیک و فریب خوردن را ایجاد می‌کند. این مسئله نه تنها موجب ریزش آرای نامزد موردنظر خواهد شد بلکه بدبینی و انزوای مردم از مشارکت در فضای سیاسی کشور را نیز به دنبال خواهد داشت. وعده‌های انتخاباتی باید در دایره اختیارات دولت و قابل اجرا در شرایط کنونی باشد.

برخی برنامه‌ها مشروط به زمان و شرایط خاص هستند. شاید یک وعده انتخاباتی در شرایط فعلی، امکان تحقق نداشته باشد اما در آینده دور دست یافتنی باشد، لذا بیان چنین وعده هایی برای جذب افکار عمومی تنها نوعی بازی انتخاباتی است، اگرچه ممکن است در کوتاه مدت مغناطیسم جذب آرای عمومی گردد و نامزد مورد نظر راهی ساختمان پاستور شود اما با گذشت اندک زمانی موج شدیدی از نارضایتی مردمی را موجب می‌شود، مانند آنچه در انتخابات دوره یازدهم رخ داد. نامزدهای ریاست جمهوری باید از دادن چنین وعده وعید هایی و همچنین تضمین مسائل فراملی و خارج از دایره اختیارات و توانایی‌های خود و دولت احتمالی‌اش بپرهیزند و در مسیر صداقت و شفافیت گام بردارند. همچنین وعده هایی که نامزدهای ریاست جمهوری می‌دهند باید در مسیر ایجاد و تقویت همبستگی به ویژه به نفع قشرهای ضعیف‌تر باشد؛ نه نفاق و دودستگی یا اشرافیت پروری.

نامزدی که سخنرانی و وعده‌های انتخاباتی‌اش رنگ و بوی ملتهب کننده داشته و در جامعه دو دستگی ایجاد کند یا منافع طبقه کم جمعیت مرفه را بر منافع طبقات پایین‌تر ارجح بداند نمی‌تواند گزینه اصلح انتخابات ریاست جمهوری در کشوری باشد که داعیه علویت و مهدویت دارد. در کنار این «باید» مهم پیرامون رسیدگی به محرومان در جامعه، یک «نباید» بزرگ نیز وجود دارد. نامزد ریاست جمهوری نباید برموج فقر و نیاز مردم سوار شود و از این حربه در راستای امیال سیاسی خود سوء استفاده کند اما زمانی که به صندلی ریاست جمهوری رسید هر آنچه وعده داده بود به دست فراموشی بسپارد. پسندیده آن است که این وعده‌ها و برنامه‌ها پیوندی از رفع مشکلات مردم به ویژه محرومان و تقویت همبستگی و وفاق باشد نه تفرقه و نفاق!

نبایدها: یکی از شروط اصلی در بیان برنامه‌ها و وعده ها، اخلاق مداری و دوری گزیدن از تخریب و تخطئه رقیب انتخاباتی است. چنانچه این اصل مهم اخلاقی نادیده گرفته شود برنامه‌های انتخاباتی نامزدها را که باید با هدف آگاهی و هوشیاری مردم انجام شود، از کارکرد و هدف راستین خود دور می‌سازد. بیانات نامزدهای انتخاباتی نباید شبیه گلایه نامه باشد بلکه باید یک برنامه جامع، صحیح و دست‌یافتنی باشد. نداشتن یک انسجام و آینده پژوهی مقبول میان نامزدهای ریاست جمهوری و توسل به تخریب رقیب انتخاباتی، بدین معنی است که فرد مذکور کوچک‌ترین توانایی و شایستگی برای ورود به ساختمان پاستور را ندارد. اصل بر آن است که کاندیداها به جای انگشت گذاشتن بر نقاط ضعف سایر افراد و دولت‌ها بر نقاط قوت برنامه و ایدئولوژی مدیریتی خود متمرکز شوند، از پیش بینی بپرهیزند و انتخاب را برعهده قوه شعور اجتماعی بگذارند.

همچنین سخنان نامزدها نباید آغشته به چاشنی دروغ، غلو و فریب شود. تجربه نشان داده است هوش عمومی جامعه به خوبی میان وعده‌های دروغین و وعده‌های حقیقی تفاوت می‌گذارد و مطالبه گر حقوق حقه خود خواهد بود، لذا دقت و مراقبت بیشتری از سوی نامزدها در بیان برنامه‌ها و وعده‌های انتخاباتی‌شان، نیاز است.

رعایت بایدها و نبایدهای مذکور می‌تواند در ارتقای سطح کیفی انتخابات در کنار حضور حداکثری، حماسه‌ای باشکوه را خلق کند و مردم را با مشکلات، مسائل روز، دغدغه‌ها، وظایف رئیس جمهور آتی و... آشنا سازد.

گزیده خبر

شمخانی در تماس تلفنی با همتای افغان:

همکاری اطلاعاتی و امنیتی ایران و افغانستان مقوم ثبات ۲ کشور است

دبیر شورای عالی امنیت ملی ضمن محکوم کردن حمله طالبان به یک پادگان در ولایت بلخ، گفت: همکاری اطلاعاتی و امنیتی ایران و افغانستان مقوم ثبات دو کشور است.

به گزارش مهر، علی شمخانی نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی شنبه شب در تماس تلفنی با حنیف اتمر همتای افغانستانی خود، ضمن محکوم کردن حمله طالبان به یک پادگان در ولایت بلخ، کشته شدن تعداد زیادی از سربازان شجاع این کشور را به ملت و دولت افغانستان تسلیت گفت. شمخانی در این گفت‌وگو با ابراز همدردی با خانواده‌های جانباختگان این حادثه تروریستی بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای هرگونه کمک به آسیب‌دیدگان تأکید کرد.

وی با اشاره به ضرورت برخورد شدید و منسجم دولت، گروه‌های سیاسی و ملت افغانستان با جریان‌های تروریستی خاطر نشان ساخت: سرعت بخشی به همکاری‌های مشترک اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران و افغانستان که طی سال‌های گذشته از سوی نهادهای امنیت ملی ایران و افغانستان با جدیت دنبال شده است، مقوم امنیت و ثبات دو کشور خواهد بود.

گفتنی است در حمله تروریستی طالبان به یک پادگان در ولایت بلخ، بیش از ۱۴۰ سرباز کشته و سه روز عزای عمومی در این کشور اعلام شد.

عارف: از معرفی برجام به عنوان نسخه شفابخش پرهیز شود

از معرفی کردن برجام به عنوان تنها نسخه شفابخش باید پرهیز شود و با تدابیر خردمندانه مورد رصد و مدیریت قرار گیرد.

به گزارش فارس، محمدرضا عارف در نطق میان دستور خود در جلسه علنی مجلس گفت: برجام موفقیت بزرگ تمام ارکان نظام است، از تخریب آن و همچنین از معرفی آن به عنوان تنها نسخه شفابخش باید پرهیز شود و با تدابیر خردمندانه مورد رصد و مدیریت قرار گیرد.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: امروز نظام جمهوری اسلامی ایران از چنان اقتدار، ثبات و پشتیبانی مردمی برخوردار است که هر گونه حصر، ایجاد محدودیت و ممنوع‌التصویری دلسوزان و یاران انقلاب در شأن این نظام نیست و باعث ایجاد هزینه‌های غیرضروری و جبران‌ناپذیر شده و می‌شود.

عارف خاطرنشان کرد: از رئیس‌جمهور می‌خواهم با استفاده از جایگاه قانونی خود و با استفاده از تجربیات گذشته با رایزنی با ارکان نظام اطمینان لازم را فراهم آورد که با رفع حصر و برطرف شدن محدودیت‌های موجود نه تنها تهدیدی متوجه امنیت و آرامش کشور نخواهد شد بلکه تلخی حوادث گذشته با شیرینی تفاهم و همدلی جایگزین می‌شود.

وی افزود: در انتخابات پیش‌رو از تحقق اجماع نسبی بین دوستان جبهه اصولگرایان استقبال می‌کنیم، امیدوارم با حضور قدرتمند هر دو جبهه اصلی سیاسی کشور در صحنه انتخابات شور و نشاط و مشارکت بالا را شاهد باشیم.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، اظهار داشت: رئیس‌جمهور آینده نیز باید با تشکیل کابینه کارآمد و جوان روند رو به رشد چهار سال گذشته را تسریع بخشد و به مطالبات جوانان و اقشار مردم پاسخ مناسب دهد.